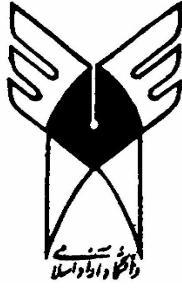


**به نام خداوند جان و خرد**



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فلسفه

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: فلسفه غرب

**عنوان :**

**نظریه دولت در فلسفه سیاسی هگل**

**استاد راهنما :**

**دکتر مریم ثقفی**

**استاد مشاور :**

**دکتر صمد دیلمقانی موحد**

**پژوهشگر :**

**زهرا واشقانی فراهانی**

تابستان ۱۳۹۰

# تقدیم به

روان پاک پدر و مادرم

همسر بردبار و مهربانم

فرزندان همچون جانم: کسری و نرگس

## تشکر و قدردانی

نخست ، سپاس بی کران از خداوند دانای مهربان که هر آنچه هست از اوست سپس ، تقدیر و تشکر فراوان به پاس راهنمایی های بی منت و عالمانه ی بانوی گرانقدر استاد دکتر مریم ثقفی که در تهیه این پایان نامه از راهنمایی های ارزنده ی ایشان بهره مند شده ام.

همچنین با سپاس از استاد، جناب آقای دکتر صمد دیلمقانی موحد که مشاوره های ارزشمندی را در راستای انجام این پایان نامه به اینجانب ارائه نموده اند .

## تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب زهرا واشقانی فراهانی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۸۵۰۳۱۴۰۰ در رشته فلسفه غرب که در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۸ از پایان نامه خود تحت عنوان: نظریه دولت در فلسفه سیاسی هگل با کسب نمره ۱۷/۲۵ و درجه بسیار خوب دفاع نموده ام. بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حال تحقیق و پژوهش انجام شده توسط این جانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر، یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: زهرا واشقانی فراهانی  
امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۸

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم زهرا واشقانی فراهانی از پایان

نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۷/۲۵ بحروف هفده و سبب و پنج صدم  
و با درجه بسیار مورد تصویب قرار گرفت.  
نوب

امضاء استاد راهنما



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

### فصل اول : کلیات طرح

۲	۱-۱ بیان مسئله
۲	۲-۱ اهمیت و لزوم پژوهش در باره این موضوع
۳	۳-۱ پرسش های پژوهش یا فرضیه های آن
۴	۴-۱ روش کار
۴	۵-۱ پیشینه پژوهش
۵	۶-۱ محدودیت های پژوهش

### فصل دوم : فیلسوفان سیاسی پیش از هگل

۷	نظریه ها و تئوری های سیاسی
	یونان
۹	۱-۲ افلاطون
۹	۱-۱-۲ زندگانی
۱۰	۲-۱-۲ فلسفه سیاسی
۱۲	۳-۱-۲ دولت شهر یا مدینه
۱۲	۴-۱-۲ عدالت
۱۳	۵-۱-۲ سرشت و منشا دولت
۱۵	۶-۱-۲ دولت طبقاتی
۱۷	۷-۱-۲ انواع حکومت
۱۸	۸-۱-۲ بردگی
۱۹	۹-۱-۲ اندیشه بکر افلاطون
۲۰	۲-۲ ارسطو
۲۰	۱-۲-۲ زندگانی
۲۱	۲-۲-۲ فلسفه سیاسی
۲۳	۳-۲-۲ دو ایراد به افلاطون
۲۴	۴-۲-۲ سرشت و ماهیت دولت
۲۵	۵-۲-۲ وظایف دولت
۲۶	۶-۲-۲ نظریه ثروت
۲۷	۷-۲-۲ ماهیت بردگی و آزادی
۲۹	۸-۲-۲ حکومت
	عصر رنسانس
۳۱	۳-۲ توماس هابز
۳۱	۱-۳-۲ زندگانی

۳۲	..... ۲-۳-۲ فلسفه سياسي
۳۳	..... ۳-۳-۲ قوانين طبيعي
۳۴	..... ۴-۳-۲ دولت و بنياد آن
۳۶	..... ۵-۳-۲ انواع حكومت
۳۷	..... ۴-۲ لاک
۳۷	..... ۱-۴-۲ زندگاني
۳۸	..... ۲-۴-۲ فلسفه سياسي
۳۹	..... ۲-۴-۲ دولت
۴۱	..... ۴-۴-۲ مالکيت و کار
۴۲	..... ۵-۴-۲ حكومت
۴۴	..... ۶-۴-۲ تفکيک قوا
۴۵	..... ۷-۴-۲ دين و دولت

#### عصر روشنگری

۴۵	..... ۵-۲ منتسکیو
۴۵	..... ۱-۵-۲ زندگاني
۴۶	..... ۲-۵-۲ فلسفه سياسي
۴۸	..... ۳-۵-۲ حكومت
۵۰	..... ۴-۵-۲ غايت حكومت «آزادي»
۵۱	..... ۶-۲ ژان ژاک روسو
۵۱	..... ۱-۶-۲ زندگاني
۵۲	..... ۲-۶-۲ فلسفه سياسي
۵۳	..... ۳-۶-۲ ظهور نظريه اراده همگاني
۵۴	..... ۵-۶-۲ حاکمیت
۵۵	..... ۶-۶-۲ قانون گذار
۵۶	..... ۷-۶-۲ گونه هاي حكومت
۵۷	..... ۸-۶-۲ مرگ دولتها

#### فصل سوم : هگل

۵۹	..... ۱-۳ زندگانی
۶۱	..... ۲-۳ فلسفه هگل
۶۲	..... ۳-۳ چگونگی پیوند زندگی و اندیشه هگل با رویدادهای روزگار او

#### فصل چهارم : دستگاه فلسفی هگل

۷۰	..... پیشگفتار
۷۱	..... ۱-۴ منطق



۷۲	۱-۱-۴ چگونه منطق بصورت علم مابعدالطبیعه در می آید؟
۷۳	۲-۱-۴ مطلق، دیالکتیک، صیوروت
۷۸	۳-۱-۴ بخش یکم از مثال منطقی: مبحث هستی (وجود)
۷۹	۴-۱-۴ بخش دوم از مثال منطقی: مبحث ذات
۸۱	۵-۱-۴ بخش سوم از مثال منطقی: صورت معقول
۸۴	۲-۴ فلسفه طبیعت
۸۹	۳-۴ فلسفه روح
۹۰	۱-۳-۴ هدف پدیدار شناسی چیست؟
۹۱	۲-۳-۴ چرا تاریخ چیزی نیست جز پیشرفت آزادی؟
۹۴	۳-۳-۴ روح ذهنی
۹۵	۴-۳-۴ روح عینی
۹۸	۵-۳-۴ روح مطلق

### فصل پنجم : دولت در فلسفه سیاسی هگل

۱۰۴	۱-۵ مفهوم آزادی
۱۰۶	۲-۵ چرا انسان نیازمند آزادی است
۱۱۰	۳-۵ معرفی نظریه و ملاحظاتی درباره ی اشکال زندگی اجتماعی
۱۱۱	۱-۳-۵ بخش اول: حق انتزاعی
۱۱۱	۲-۳-۵ بخش دوم اخلاق
۱۱۴	۴-۵ زندگی اجتماعی یا زندگی اخلاق گرایانه
۱۱۴	۱-۴-۵ بخش اول : خانواده
۱۱۶	۲-۴-۵ بخش دوم: جامعه مدنی
۱۲۱	۳-۴-۵ بخش سوم: دولت
۱۲۶	۴-۴-۵ عقل ، دولت خدایی ، دولت ملی
۱۳۴	۵-۵ حاکمیت ، قوای سه گانه ، مقام پادشاه
۱۴۰	۱-۵-۵ قوه مقننه
۱۴۱	۲-۵-۵ آزادی بیان
۱۴۳	۳-۵-۵ قوه اجرایی
۱۴۵	۳-۵-۵ مقام پادشاه (شهریار)
۱۴۷	۶-۵ رابطه ی دین و دولت

### فصل ششم: نتیجه و فهرست منابع

۱۵۲	نتیجه
۱۵۹	فهرست منابع چکیده انگلیسی

## چکیده

علت اصلی در تدوین این پایان نامه بررسی مسئله دولت در فلسفه سیاسی هگل می باشد. علاوه بر آن، فرآیند پیدایش دولت از یونان تا عصر هگل نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. بنابراین پس از کلیات طرح، در فصل دوم به معرفی نظریه های فلاسفه سیاسی پیش از هگل در تاریخ فلسفه، و همچنین نکاتی چند درباره اصول و تعاریف و اشکال گوناگون دولت از نظر ایشان پرداخته شده و فصل بعد، به توضیح زندگینامه و آثار و حوادث ناشی از عصر هگل که در شکل گیری اندیشه وی نقش بسزایی داشته، اختصاص یافته. و محتوای فصل چهارم درباره تفسیر بنیادی دستگاه فلسفی هگل می باشد که عبارت است از منطق، طبیعت و فلسفه روح، با این ویژگی که در هر بخش همه چیز در دایره ای دیالکتیکی از تزاها و آنتی تزاها به سنتزها بدل می شوند. آنچه در فلسفه هگل دارای اهمیت است مثال مطلق است که در پیچشی صرفاً هگلی در اذهان متناهی، طبیعت و تاریخ متجلی می شود. سرانجام در فصل پنجم نخست اشاره ای شده است به مفهوم آزادی، حق و خود آگاهی و سپس به بیان ملاحظاتی درباره اشکال زندگی اجتماعی و اخلاق گرایانه، شرح و بسط پدیده "دولت" و قوانین آن و معرفی بهترین نوع حکومت که در نظر هگل همانا حاکمیت "خرد" است و پس از آن بخشبندی قوای سه گانه در منشور دولت هگل پرداخته شده است. فصل ششم که پایان بخش این رساله است مربوط به نتیجه گیری می باشد.

# فصل اول

## کلیات طرح

## ۱-۱- بیان مسئله

شناخت حقیقت حق آدمی است و عشق و علاقه به دانستن همواره اصل مهم و آغازگر هر تحقیق می باشد. این که حقیقت کدام است بسته به نوع تفکر آدمیان دارد و هرکس به میزان اندیشه و فهم خود به حقیقت دست میابد. هدف سقراط با اتکا به بینشی ژرف رسیدن به حقیقت مطلق بود. مقصود نگارنده نیز در حد توان خود آگاهی از بخشی از حقایقی است که از دیرباز یعنی از آغاز تاریخ، مدار و محور اندیشه ی انسان بوده است یعنی بررسی ماهیت و سرشت دولت. بنابراین فلسفه سیاسی هگل مورد تحقیق قرار می گیرد و البته لازمه ی دانستن آن بررسی تاریخی اندیشه های سیاسی و اجتماعی است. زیرا در تفکر او نشانی از افلاطون و کانت است بدون آن که فلاسفه ی دیگر را کنار زند. او در بخشی از فلسفه خود یعنی پدیدار شناسی تجلی و پیدایش مثل در زمان و مکان را نشان می دهد. پدیدار یعنی تجلی روح و پدیدار شناسی یعنی تکوین هر نوع فعالیت شناختی و فرهنگی انسان و گسترش شعور و آگاهی انسان از نظر ذهنی، اخلاقی، تاریخی و معنوی است. پدیدار در همه ی جنبه های حیات انسان در حد حس، فاهمه، شناخت و آگاهی، خودآگاهی، حیات و میل، عمل و اخلاق، دین و فلسفه در تمام تاریخ بشر مطرح می شود. ما با سفر اکتشافی خود در پدیدار شناسی به فلسفه و از آن به ذات دولت می رسیم. روح مجرد در پیکره ی دولت به روح مطلق بدل می شود و وسیله ی تحقق دولت همانا فلسفه است.

## ۱-۲- اهمیت و لزوم پژوهش درباره ی این موضوع

در این که در فلسفه ی هگل نوعی پویایی وجود دارد تردیدی نیست و اهمیت مطالعه ی فلسفه ی او نیز برخوردار است. توجه همگان به مسئله ی دولت یکی از مهمترین دغدغه های فکری بشر بوده که در فلسفه هگل به شکل کاملاً منحصر به فرد و پیچیده بیان شده است و انگیزه ی اصلی برای نگارنده در انتخاب و تحقیق درباره ی دولت مطالعه ی روند دیالکتیکی هگل است که وی در طی آن مسئله ی دولت را به شکلی زیبا و به شیوه ی جدید طرح می کند. او پدیده ی دولت را گذار فرد از خانواده به جامعه مدنی و سپس به دولت بیان می کند و می گوید هنگامی فرد به کمال خود رسد کشور پدید می آید. وی غایت فرد و کل را با هم یکی می داند و البته این واقیتی است که امروزه ما خود نه در فضای فلسفی بلکه در جهان واقعی به آن رسیده ایم و به لحاظ اخلاقی دانسته ایم که لازمه ی زیستن در کنار هم منحل شدن در خواسته های جمعی است. همه جا سخن از فرد است. در نظر هگل کشور بدون فرد بی معنی است همچنان که فرد بدون کشور بررسی درباره ی این که چگونه غایت فرد با غایت همگانی یکسان می شود و چگونه فرد در سایه ی اندیشه ی آزاد به صورت معقول و به روح مطلق می رسد لزوم و اهمیت این پژوهش را نشان می دهد.

### ۱-۳- پرسش های پژوهشی با فرضیه های آن

با مطالعه در سیر تکامل تاریخی بشر، همواره پرسش ها و سوالاتی مطرح می شود. خصوصا" در اشکال مختلف اندیشه های سیاسی همواره شاهد بروز مسائلی بوده ایم که به نوبه ی خود پرسش و پاسخ هایی دارد. در این اوضاع و احوال از فلاسفه، تاریخ نویسان و حتی جامعه شناسان می توان نام برد که در برآورده ساختن نیازهای فکری بشر سهم بسزایی داشته اند. اما باتوجه به تنوع موضوعات سیاسی و اجتماعی و همچنین به اعتبار تاریخ، پرسش ها همواره باقی است. آنچه پیش از هر چیز در این تحقیق به آن پرداخته شده سوالاتی از این قبیل است:

۱- تعریف جامع دولت و موفق ترین دولت ها کدام است؟

۲- اساسا" هدف از تشکیل دولت چیست؟

۳- چرا دولت شهر آرمانی افلاطون هرگز به وقوع نپیوست؟

۴- آیا کشورها به قوانین پای بسته اند یا به زندگی مسالمت آمیز اجتماعی؟

۵- دیالکتیک هگلی چگونه به مفهوم آزادی و ترسیم دولت منتهی می شود؟

۶- آیا دولت عقلانی هگل محقق می شود؟

۷- اندیشه ی خوداندیش در تفکر هگل چیست؟

و سوالاتی از این دست که در حد مجال به آن پاسخ داده شده است.

### ۱-۴- روش کار

روش تحقیق در این پژوهش، روش کتابخانه ای است. نخست جمع آوری آثار و منابع هگل انجام شده و سپس به جمع آوری منابع دست دوم از قبیل آثار مترجمان و شارحان هگل پرداخته شده است. در مرحله ی بعد، پس از گزیده مطالب و فیش برداری، تقسیم بندی و نگارش و تفسیر آن ها صورت گرفته است.

### ۱-۵- پیشینه ی پژوهش

مسئله ی دولت و بکارگیری راه برد ها و قوانین برای اجرای بهتر و مناسب تر دستورهای اجتماعی و سیاسی پیشینه ای به قدمت تاریخ دارد. بشر به مجرد آنکه نیاز طبیعی خود را در تشکیل اجتماعات و زیستن در کنار هموعان خود برآورده ساخت، خود را در مجموعه ای یافت که به او نظم و صورت و جهت بخشید. بنابراین تشکیل کشورها با سازمان های اجتماعی و سیاسی را نمی توان محدود به دوره ای خاص نمود و گفت در آن موقع دولت ایجاد شده است. نظام های سیاسی و اجتماعی همواره شاهد دگرگونی های اساسی بوده اند لیکن آنچه مهمترین بخش در جریانات سیاسی است پدید آمدن یک قدرت که بر پایه ی اندیشه ی عقلانی باشد قرار دارد که از نظر هگل، آن دولت عقلانی است. انسان ها در جوامع خود همواره تابع قواعدی هستند که با سایر فعالیت های فرهنگی اشان متفاوت است ولی آنچه موجب پیوند زندگی فکری و سیاسی با ابعاد فرهنگی و طبیعی آن ها می شود همانا زیستن در چتر قانون عقلانی مجموعه ی دولت است.

## ۱-۶- محدودیت های پژوهش

از مهمترین محدودیت های پژوهش عدم تسلط به زبان آلمانی و همچنین عدم دسترسی به منابع و آثار دست اول می باشد. دور ماندن فلسفه هگل از حوزه های درسی (یا به جهت دشواری و دیر فهمی فلسفه اش یا بنابر پیدایش گرایشات فلسفی بعد از او) موجب شد هگل شناسی با مشکلاتی مواجه شود ولی پژوهشگر می کوشد با توجه به ارجاعات و مستندات، آنچه مورد نظر این پایان نامه است یعنی نظریه دولت هگل را در حد توان خود ارائه نماید.

# فصل دوم

## فلسوفان سیاسی

### پیش از هگل

## نظریه ها و تئوریهای سیاسی چیست و چرا مورد مطالعه قرار می گیرند ؟

پیش از آنکه به توضیح عنوان بپردازیم نخست باید پیدایش و رابطه تاریخی آن را از نظر بگذرانیم . پس این چنین باید گفت که پیوند میان اندیشه های سیاسی که از دیر باز وجود داشته با نسل های آینده به نحوی است که نه تنها قلمرو فکری ایشان را در گذشته و حال در بر می گیرد بلکه چگونگی رشد و کیفیت اندیشه های سیاسی آنان را نیز بیان می کند . رساله جمهور افلاطون ، سیاست ارسطو ، شهریار ماکیاولی و نظریه های متفکرین سیاسی بعد از آنها همه ، منابعی هستند که به ما کمک می کنند که به آن فایده ای که از مطالعه آنها نصیبمان می شود برسیم . یک اثر سیاسی ، در واقع کتاب راهنمایی است که راه و رسم دولتمردی را به عنوان یک فن خاص آموزش می دهد . یک رساله سیاسی آکنده از تئوریهای سیاسی یعنی اظهار نظر ها و پند و اندرزهایی درباره فن سیاست است . تئوریهای سیاسی فرضیاتی مبتنی بر نوعی واقعیت است . واقعتهایی که در روند تاریخی تکرار شده اند . حال این سؤال مطرح است که تئوریهایی سیاسی اند که سیاستمداران را تربیت می کنند یا سیاستمداران بزرگ اند که تئوریهای سیاسی را می پروراندند؟ در صورت قبول مورد نخست باید بپذیریم که هر تئورسین سیاسی خود باید یک سیاستمدار باشد در حالیکه با مطالعه آثار گذشته درمی یابیم که چنین نیست اولاً فلاسفه سیاسی کمتر تمایل به زمامداری و اداره حکومت از خود نشان دادند و ضمناً کمتر دیده شده زمامدار موفقی ، موفقیت خود را مدیون مطالعه نظرات فلاسفه سیاسی بدانند . درباره مورد دوم هم باید گفت نظریه های سیاسی چیزی جدا از واقعتهای سیاسی نیستند یعنی مردانی که به شیوه سیاسی رفتار می کنند در مسیر عملکردهای خود با واقعیت هایی روبرو می شوند که این واقعیت ها، محورهای از پیش تعیین شده نیستند مثلاً از میان رفتن حکومتها و جایگزین شدن حکومت نو ، تنظیم نهادها و قوانین خاص یک مملکت و یا لغو و تصویب قانون اساسی یک کشور ، موضوعاتی هستند که بنابر شرایط اقلیمی و فرهنگی خاص همان سرزمین انجام می شوند . پس می توان گفت همواره یک اصل کلی بر سیاست همه جوامع حاکم است و آن یک نظریه سیاسی است . از آنجا که انسان به گفته ارسطو حیوانی ذاتاً اجتماعی است پس می تواند ذاتاً تئوری ساز باشد . اما تئوریهای فکری انسان در بیشتر موارد ، پس از یک تجربه رخ می دهد و سپس یک قالب منطقی و عقلانی بخود می گیرد . در واقع این تجربه های عینی هستند که پیش زمینه نظریه های سیاسی می شوند . چنانکه از تاریخ بر می آید پیش فرهنگ ها ، نهضت ها و انقلابها و شرایط اجتماعی و اقتصادی چه بسا جنگها واقعیت های تاریخی و سیاسی ، مجموعه عواملی هستند که تئوریهای سیاسی به آنها وابسته اند . از آنجا که رویدادهای تاریخی بهر شکل ، بخشی از واقعیت اند و این واقعیت ها هم در نظر انعکاس می یابند نمی توان گفت نظریه های سیاسی خالی از حقیقت است و فقط یک نظریه میان تهی است بلکه ، هسته مرکزی این نظریه ها همان حقیقت مسلم در بطن تاریخ است . اگر گفته شود نظرات یک متفکر سیاسی ساخته و پرداخته از زمانه ی خود اوست ، بدان معنی است که تئوریهای او ترسیم ساده ای از



معنا و روح حاکم بر آن دوران است چنانچه این معنویت و روح حاکم را در اثر یک هنرمند می توان دید. یا در نوشته ی فیلسوفان بزرگی همچون افلاطون و ارسطو می توان به این حقیقت رسید که مثلاً نظام برده داری پذیرفته شده آن عصر بصورت کاملاً انحصاری مختص زندگی یونانیان باستان بوده است که خود را همواره دارای فرهنگی غنی تر از بقیه اقوام غیر یونانی می دانستند هنگامی که تاریخ را مطالعه می کنیم به تفاوت های میان زمانه خود با دوران های گذشته پی می بریم از وقتی که بشر رفع نیازهای خود را در تشکیل اجتماعات می دیده است، فرهنگ و سیاست و اجتماع نیز بوده است. ولی تفاوت در میزان و نوع تمدن آنهاست. مثلاً آنچه از دوره ی افلاطون تا به امروز را در بر گرفته نه تنها چیزی بیگانه از تمدن معاصر نیست، بلکه بیانگر یک سنت واحد اندیشه بشری است که می تواند سرچشمه تمدن امروز نیز باشد. مطالعه تاریخ مطالعه اندیشه هاست. و ارزش فلاسفه و متفکرین بزرگ همچون افلاطون و ارسطو نه تنها از مجرای اندیشه های سیاسی بلکه از مجاری هنر، شعر و ... در پیکره تمدن جدید هویدا گشته است. کار سقراط با تأثیر پذیرفتن از پیام معبد دلفی، همانا تشویق به فلسفیدن و کشف دانش بود. او به جوانان آموخت تا اندیشه، درست هدایت نشود هیچ شناختی حاصل نخواهد شد. وی در محاورات خود ۴ فضیلت اخلاقی (دانایی، دادگری، خویشتن داری و شجاعت) را گوشزد می نمود که تا به امروز بنیادی ترین اصول در شکل گیری خانواده، تربیت، حکومت و دولت است.

## ۲-۱ افلاطون

### معمار اندیشه سیاسی

#### ۲-۱-۱ زندگانی ۳۴۷-۴۲۷ پیش از میلاد

افلاطون مانند خورشید پاینده ای است که انوار علم و معرفت اش نسل ها روشنایی بخش راه دانش اندوزان در مدرسه حکمت و ادب و تربیت بوده و خواهد بود. افلاطون در ۴۲۷ پیش از میلاد در خانواده با نفوذی در شهر آتن بدنیا آمد پدرش آریستون و مادرش پریکتیونه نام داشت. تولد او با دورانی مصادف بود که یونان در اوج شکوفایی و شاید اندکی هم در سرانجام سقوط بسر می برد. واحد سازمانی سیاسی یونان قدیم شهر نام داشت و تا حدودی با سازمان شهری امروز فرق می کرد. مردم یونان نسبت به دولت بعنوان مرکز یتی که شهر را اداره می کند، خیلی آگاهی نداشتند و گمان می کردند که چنین قدرتی باید در میان وحشیان به منظور کنترل و نظم بخشیدن به آنها وجود داشته باشد. از نظر تقسیمات شهری، شهرها به دو بخش تقسیم می شدند یک بخش از طریق حکومت الیگارشسی افراطی و بخش دیگر از طریق حکومت دموکراسی اداره می شد. یکی از ویژگی های دیگر شهرنشینی داشتن غلام و برده در خانواده های بانفوذ بود، بردگان خدمتکار اربابان خود بودند تا آنها بتوانند به کارها و وظائف مدنی خود برسند. قبل از تولد افلاطون یونان درگیر جنگ معروف به "پلوپونزی" شد که طرفین متخاصم آتن و اسپارت بودند. دولت اسپارت طرفدار حکومت الیگارشسی بود و آتنی ها طرفدار دموکراسی، سرانجام این جنگ با شکست آتن در سال ۴۰۴ پیش از میلاد به پایان رسید. یکی از مشکلات اساسی که می توانست موجب تزلزل داخلی شهر بشود پدیده ای بود به نام "استاتیس" به معنی طغیان از داخل. لذا یکی از موضوعات فکری افلاطون، یافتن راه حلی

برای از بین بردن این واقعه در داخل شهرها بود. افلاطون مدرسه ای به نام آکادمی تاسیس کرد که مرکز نشر و توسعه علم و فلسفه قرار گرفت، او معتقد بود که شناخت علمی فقط در ریاضیات نیست حتی در سیاست و قانون گذاری هم می توان به این درجه از فهم رسید. آکادمی شاگردان فراوانی بخود دید که با حمایت افلاطون به افراد برجسته ای تبدیل شدند از جمله ارسطو را می توان نام برد. بعدها در آکادمی کارگاهی دایر شد مبتنی بر علم سیاست که برای جهان و اصلاح آن لازم می آمد.

آثار افلاطون را به ۴ دوره تقسیم کرده اند. ۱- دوره سقراطی ۲- دوره انتقال ۳- دوره کمال و ۴- دوره سالخورده گی که هر یک بخش های مربوط به خود را دارد. مهمترین اثر فکری افلاطون رساله "جمهور" است که در فضای اندیشه سیاسی جایگاهی بس والا دارد. افلاطون در سال ۳۴۷ پیش از میلاد در سن ۸۰ سالگی حیات را بدرود و به تاریخ بشریت پیوست.

## ۲-۱-۲ فلسفه سیاسی

«فلسفه سیاسی، پرداختن به پرسش های بنیادی است درباره جامعه، دولت، آیین کشور داری، هدف زندگانی اجتماعی و نیز حقوق و وظایف فرد و جامعه نسبت به یکدیگر، افلاطون نخستین فیلسوفی است که این پرسش ها را در یک نظام دقیق فلسفی سنجیده و چون یک کل هماهنگ به یکدیگر پیوسته است.» (نقیب زاده ۱۳۸۷ ص ۷۶)

چنین به نظر می رسد نظریه سیاسی افلاطون با علم اخلاق او ارتباط نزدیک داشته باشد، زیرا برای فیلسوفی نظیر افلاطون که به سعادت انسان و به زندگی حقیقتا خوب برای انسان، علاقه مند بود ضروری و الزام آور است که دولت حقیقی و کار ویژه دولت را فرد و جامعه معین کند.

«اگر همه شهروندان اخلاقا انسان های بد باشند در واقع غیر ممکن خواهد بود که یک دولت شهر خوب برای خود ترتیب دهند. اما برعکس اگر کشور بد باشد شهروندان خود را قادر نمی بینند که زندگی خوب را چنانکه شاید و باید اداره و رهبری کنند. افلاطون کشور را به عنوان یک شخصیت یا سازمان زنده (ارگانیزم) که بتواند یا بخواهد آزاد و بدون توجه به "قانون اخلاقی" توسعه یابد نمی نگرد، دولت شهر، داور حق و باطل و صحیح و خطا و مبدا قواعد اخلاقی خودش و نیز توجیه گر مطلق اعمال خودش صرف نظر از چگونگی آنها نیست.» (کاپلستون ص ۲۵۷)

از نوشته های افلاطون کتابهای پولیتیا: نوامیس و مرد سیاسی در این باره (سیاست) است و اثر بزرگ وی یعنی یولیتیا یا رساله جمهور یا جمهوریت مربوط به عدالت است.

«کلمه "جمهوری" برای نشان دادن نوعی قانون اساسی یا آیین حکومت به کار می رود که از نظام "حکومت سلطنتی" متفاوت است اما کلمه "پولیتیا" به هر نوع قانون اساسی و آیین حکمرانی قابل اطلاق است. انواع رژیم ها، همگی در حوزه مفهومی که از لغت یونانی "پولیتیا" گرفته می شود قرار دارند.» (فاستر ۱۳۸۸ ص ۳۹)

چنین به نظر می رسد کتاب پولیتیا (آیین کشورداری) درباره چگونگی تربیت است و برای آنکه شهری بر پایه نیک بنیان گذاشته شود باید اصل تربیت در آن رعایت شود و کسانی که دارای تربیت فلسفی یا اخلاقی اند دارای چهار فضیلت اند که عبارت است از دانایی، دادگری،

شجاعت و میانه روی و جامعه دادگر آن است که هر کس را به کاری بگمارند که شایسته آن کار باشد و به کار دیگران کاری نداشته باشد. جامعه ای خویشتن دار و دادگر است که زمام آن بدست افراد لایق و کارآمد قرار گیرد. جامعه هم می تواند به دست دانایان اداره شود و هم بدست نادانان. باید بدانیم که افلاطون بر تربیت کدام قشر تاکید می کند:

«افلاطون بویژه بر تربیت زمامداران تاکید دارد زیرا بر آنست که دانایی و دادگری جامعه به دانایی و دادگری زمامداران آنست از این رو است که آریستوکراسی را برترین قسم و دموکراسی را بدترین نوع زمامداری می داند.» (نقیب زاده ۷۳).

پس بدین ترتیب افلاطون تربیت را در خصوص افرادی لازم الاجرا می داند که نه تنها شایسته حکومتند بلکه در خودشان شور و شوق حرکت به سوی شناخت حقیقت که همان ذات هستی است را بیافرینند .

## ۲-۱-۳ دولت شهر یا مدینه

تقسیمات شهروندان در شهر افلاطونی اینگونه است:

۱- زمامداران یا قانون گذاران

۲- نگهبانان

۳- پیشه وران و صنعت گران

« افلاطون این سه طبقه را به سه جنبه آدمی یعنی خرد ، اراده و میل ها مانند کرده است جامعه ای که زمام آن به دست دانایان است به سوی هنرهای اخلاقی گام برمی دارد ، جامعه ای که زمام آن در دست سپاهیان است به سوی سلطه جویی و کشورگشایی رو می کند و جامعه ای که زمام آن در دست طبقه سوم است در بند ثروت و لذت خواهد بود. (نقیب زاده ص ۷۳)

حال از آنجایی که تمام تشکیلات یک جامعه ، تشکیلات سیاسی نیستند و هر نوع اجتماع انسانی را هم نمی توان دولت نامید ، افلاطون در رساله " جمهور " سرشت و ماهیت تشکیلات سیاسی را به طور کلی مورد بررسی قرار می دهد و سوال می کند که : دولت چیست ؟ و آن چیزی که دولت را به وجود می آورد کدام است؟

## ۲-۱-۴ عدالت

«عدالت در نظر افلاطون عبارت از نوعی استعداد و تمایل درونی است در انسان که جلو احساسات و انگیزه های شدید وی را که طالب منافع خصوصی هستند می گیرد و بشر را از انجام کارهایی که ظاهراً به نفعش تمام می شود ولی مورد نهدی وجدانش هستند باز می دارد .» (فاستر ص ۴۲-۴۱)

از نوشته های افلاطون چنین بنظر می رسد که وی عدالت را در معانی مختلف بکار برده است . یکجا آن را "دادی دین" که عبارت است از راستگویی و پس دادن مال دیگران ، تعریف می کند که ممکن است این عمل عادلانه یا غیر عادلانه باشد و در جایی دیگر عدالت را نسبت به نتیجه عمل می سنجد. مثلاً آیا نتیجه سودمند است یا خیر ( جمهور \_ کتاب اول بند ۳۳۱ - ۳۳۳ ) در جایی دیگر عدالت را بخشی از خصال نیک یا به عنوان یک فضیلت انسانی می داند که بکار بردن آن می تواند هر انسانی را به یک انسان نیک تبدیل کند. او ساختمان فضیلت را در انسان به ۴ صفت محدود می سازد که عبارتند از خرد ، شجاعت ، میانه روی و دادگری (

عدالت) که دارنده هر کدام از این صفات در نزد افلاطون، نمایانگر یک انسان به تمام معنی خوب و شایسته است. پس افلاطون چنانکه دارا بودن به این صفات را فضیلت انسانی می داند در عین حال آن را علت اجتماعی شدن انسان ها هم می داند زیرا انسان اجتماعی می تواند عامل موثری در برقراری ارتباطات باشد و این عامل موثر که همان انسان با فضیلت است نقش بسیار مهمی نیز در پیوند میان دولت ها دارد و این همان چیزی است که بعنوان مهمترین و اساسی ترین اصل در فلسفه سیاسی افلاطون مطرح است.

## ۲-۱-۵ سرشت و منشا دولت

چنانکه در "جمهور" (بندهای ۳۶۹\_ ۳۷۱) افلاطون بر آنست که دلیل احداث شهر ها را در رفع تنهایی فرد، رفع نیازمندیها و فراهم نمودن خوراک و مسکن و پوشاک و در نتیجه آن پدید آمدن شغل های گوناگون، معاشرت در امر خرید و فروش، کسب و کار داخلی و تولید بازار و ایجاد مبادلات برون شهری برای کالاهای مازاد بر مصرف داخلی بیان کند و هر دولتی که این خصوصیات را دارا باشد به مفهوم دولت از نظر افلاطون نزدیکتر است.

«وجود دولت شهر از لحاظ اقتصادی، مستلزم وجود کشاورزان، بافندگان، کفشگران، نجاران، آهنگران، چوپانان، بازرگانان... است. لیکن این نوع زندگی که توسط این مردم اداره می شود بسیار وحشی و خشن خواهد بود. اگر یک شهر "با تنعم و تحمل" باید موجود باشد چیزهای بیشتری مورد نیاز است و موسیقیدانان، شعرا، معلمان، پرستاران، آرایشگران، آشپزان... پدیدار خواهند شد. اما با افزایش جمعیت دیگر آن سرزمین برای نیازهای شهر کافی نخواهد بود و قسمتی از خاک همسایه باید ملحق شود.» (کاپلستون ص ۲۶۰)

البته هیچگاه بنظر نمی رسد افلاطون که الگوی ممتاز برای ترسیم یک مدینه فاضله است که در آن سعادت و خوشبختی آدمیان مدنظر است، نظراتی تجاوزگرانه بر اشغال سرزمین های همسایه ارائه دهد ولی می توان گفت مبنای اقتصادی را از علل بروز جنگ ها می داند به همین دلیل تئوری جنگ را هدایت شده و بر اساس اصول و قوانینی تنظیم می نماید که بیشتر جنبه دفاع و پاسداری از مرزهای سرزمین مورد نظر باشد. افلاطون منشا کشور را در نیاز به برآوردن حاجات طبیعی گوناگون انسان می داند و منشا اقتصادی کشور را به این طریق به اثبات می رساند زیرا انسان صرفاً "موجود اقتصادی" نیست بلکه برای سعادت آنان و برای پروردن آنها در زندگی خوب و بر طبق اصل عدالت راهکارهایی وجود دارد پس با بیان این مطلب، تعلیم و تربیت را ضروری می داند زیرا اعضای کشور موجوداتی عقلانی اند و تنها تعلیم و تربیت حقیقی و متضمن خیر هست و لازم است کسانی که زندگی کشور را تنظیم و اداره می کنند، کسانی که اصول تعلیم و تربیت را معین می کنند و کارها و مشاغل مختلف را به اعضای مختلف آن تخصیص می دهند، خودشان نیز به آنچه حقیقی و خیر است نیز معرفت داشته باشند.

«حفاظت وحدت دولت باید به وضع قوانین بپردازند. قوانینی که متضمن ۴ امر مهم باشد یعنی اشتراک زنان و فرزندان، تمرین های ورزشی و اخلاقی برای مردان و زنان بطور مساوی، تربیت علمی و سیاسی و تامین رهبری دولت به وسیله فلاسفه» (حنالفاخوری ص ۵۲)

«افلاطون می گوید ما دو طبقه مهم در کشور داریم، طبقه فروتر صنعتگران و پیشه وران و طبقه برتر پاسداران. فرمانروایان از طبقه پاسداران انتخاب می شوند، اینان نباید جوان